

## A Study on the Characteristics and Methods of Historiography in the Mamluk Era (648-923 AH)<sup>1</sup>

Amir Hoseyn Sharifi<sup>2</sup>  
Sattar Oudi<sup>3</sup>, Ramezan Rezayi<sup>4</sup>

(Received on: 2021-07-05; Accepted on: 2021-09-19)

### Abstract

From the 7th to the 10th century AH, Islamic historiography flourished in the west of the Islamic world, and especially during the Mamluk era, Egypt witnessed tremendous cultural and educational transformations. Through the study of historical texts of interest to the thinkers of historiography, the migration of historians from the East who had valuable experiences, the transfer of educational centers from Baghdad to Cairo, and the conducted investigations, they established great growth and honor for Islamic world and created the second golden stage in Islamic culture and civilization. Therefore, the following question is raised: What are the characteristics and methods of historiography in the Mamluk period? This research, relying on the first-hand sources and conducting descriptive and analytical studies, aims to examine and analyze the following issues: how the history of historiography was formed and influenced in the western Islamic world, the entry of jurists into historiography, the use of types of historiographical sources, biography, summaries, sequels, and summaries on the growth and prosperity of historiography.

**Keywords:** Mamluk, Historiography, Methods, Historians, Egypt, Levant.

- 
1. This article is taken from: Amir Hoseyn Sharifi, "General Historiography in the Mamluk Era (648-923 A.H.)", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Sattar Oudi, Faculty of Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
  2. PhD Student in Islamic History and Civilization, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, amirhoseinsharifi1965@gmail.com.
  3. Associate Professor, Department of History, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, (Corresponding Author), sattar\_oudi@yahoo.com.
  4. Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran, rezayi@ut.ac.ir.

## ویژگی‌ها و روش‌های تاریخ‌نگاری در عصر ممالیک (۶۴۸ تا ۹۲۳ ه.ق.)<sup>۱</sup>

امیرحسین شریفی<sup>۲</sup>

ستار عودی<sup>۳</sup>

رمضان رضایی<sup>۴</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸]

### چکیده

تاریخ‌نگاری اسلامی از قرن هفتم تا دهم هجری در غرب جهان اسلام با رونق و رشد فزاینده‌ای مواجه شد، به‌ویژه در ایام ممالیک، مصر شاهد دگرگونی‌های فرهنگی و آموزشی شگرفی بود. با مطالعه متون تاریخی محل توجه اندیشمندان علم تاریخ‌نگاری و مهاجرت مورخان از شرق که تجارب ارزنده‌ای داشته‌اند، و با انتقال مراکز آموزشی از بغداد به قاهره، و نیز بررسی‌های انجام شده بالندگی و افتخار بزرگی برای جهان اسلام رقم زدند و دومین مرحله طلایی را در فرهنگ و تمدن اسلامی به وجود آوردند. حال این پرسش مطرح است که: تاریخ‌نگاری در دوره ممالیک از چه ویژگی‌ها و روش‌هایی برخوردار بوده است؟ این پژوهش با تکیه بر منابع دست اول و نیز با مطالعات و تحقیقات به روش توصیفی تحلیلی، قصد دارد در غرب جهان اسلام چگونگی شکل‌گیری و تأثیر تاریخ‌نگاری، ورود فقها به تاریخ‌نگاری، استفاده از گونه‌های منابع تاریخ‌نگاری، شرح حال نویسی، تلخیص، تتمه، ذیل، و مختصرنویسی را بر رشد و رونق تاریخ‌نگاری بررسی و تحلیل کند.

**کلیدواژه‌ها:** ممالیک، تاریخ‌نگاری، روش‌ها، مورخان، مصر، شام.

۱. برگرفته از: امیرحسین شریفی، تاریخ‌نگاری عمومی در عصر ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ ه.ق.)، رساله دکتری، استاد راهنما:

ستار عودی، دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، ۱۴۰۰.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

amirhoseinshrfi1965@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) sattar\_oudi@yahoo.com

۴. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران rezayi@ut.ac.ir

## درآمد

انتقال مراکز علمی از بلاد شرق و بغداد به مصر و شام از دیگر فعالیت‌های دوره ممالیک به شمار می‌رود که موجب گسترش ابعاد گوناگون علوم و معارف اسلامی در مصر و شام و شکل‌گیری دوره‌ای نو در زمینه فرهنگ و تمدن اسلامی شد. ممالیک با احیای مجدد خلافت عباسی (۶۵۲-۹۲۲ ه.ق./۱۲۶۱-۱۵۱۷ م.) در مصر به حکومتشان در جهان اسلام رسمیت بخشیدند و با ایجاد آرامش و رونق اقتصادی دگرگونی‌های چشمگیری در عرصه هنر، تمدن، سیاست، شهرسازی، فرهنگ و علوم اسلامی در دوره حکومت طولانی‌شان به وجود آوردند، و افراد برجسته‌ای مانند موفق‌الدین ابوالعباس احمد بن اصیبعه (۶۰۰-۶۶۹ ه.ق./۱۲۰۳-۱۲۷۰ م.)، بزرگ‌ترین مورخ علم طب موجب توسعه و پیشرفت طب اسلامی در آنجا شد (ثابت، ۱۳۸۷: ۲۸). شرف‌الدین بن جیعان (متوفای ۷۷۷ ه.ق./۱۳۷۵ م.) کتاب التحفه السنیه بأسماء البلاد المصریه را تألیف کرده که معجم جغرافیای بزرگ راجع به شهرها و روستاهای مصر و آمار اداری و خراج سرزمین مصر است (سید نشار، ۱۹۹۳: ۵۸). ممالیک همچنین با فراهم کردن زمینه تاریخ‌نگاری، موجب پروتق‌ترین دوره تاریخ‌نگاری نسبت به سایر بلاد اسلامی شدند. در این عصر، تاریخ‌نگاری عمومی، فرهنگ‌نامه‌های تاریخی و دائرةالمعارف‌ها، تاریخ‌نگاری دودمانی و محلی رشد چشمگیری یافت و بیش از نیمی از نوشته‌ها در این دوره پدید آمد (پاک، ۱۳۷۸: ۲۸). توجه کفییجی به تاریخ‌نگاری برای اولین بار، ورود فقهای اسلام به عرصه تاریخ‌نگاری، حضور بعضی مورخان در دستگاه سلاطین و دسترسی‌شان به اسناد و مدارک مهم و نیز حضور در صحنه‌های نبرد و مشاهده وقایع از نزدیک و تمرکز مورخان بر تاریخ مصر و شرح حال نویسی در عصر ممالیک به عنوان ویژگی‌های تاریخ‌نگاری، و همین‌طور، تلخیص، مختصر، ذیل و تتمه نویسی، به عنوان روش‌های تاریخ‌نگاری در این پژوهش بررسی خواهد شد.

درباره ویژگی‌ها و روش‌های تاریخ‌نگاری در عصر ممالیک، تألیف و پژوهش مستقلی که تمام زوایای موضوع را در بر گرفته باشد تاکنون انجام نشده است. شاکر مصطفی (۱۹۹۰) در جلد سوم کتاب *التاریخ العربی والمورخون مطالعه‌ای در علم تاریخ و معرفی مورخان اسلامی مصر و شام* داشته، و فقط به معرفی آثار مورخان اشاره محدودی کرده است. علی غفرانی (۱۳۷۸) مروری بر منابع تاریخ‌نگاری در عصر ممالیک کرده، و تألیفات مورخان برجسته عصر ممالیک را از بعضی زوایای تاریخ‌نگاری به اختصار ارزیابی کرده و به روش‌های تاریخ‌نگاری در عصر ممالیک پرداخته است. محمد قزوینی *نظم آبادی* (۱۳۹۳) چگونگی شکل‌گیری فرهنگ‌نامه‌های تاریخی، دیدگاه، انگیزه، روش و منابع آنها را از قرن هفتم به بعد بررسی و تحلیل کرده است. محمد رضا پاک (۱۳۸۷) به پیدایی و گسترش تاریخ‌نگاری در غرب اسلامی در دوره حفصی پرداخته است. اصغر قائدان (۱۳۹۸) هم تاریخ‌نگاری نظامی از عصر اسلامی تا دوره ممالیک را بررسی کرده است. درباره موضوع این مقاله پژوهش مستقلی صورت نگرفته و پژوهش‌های دیگر، مثل تاریخ‌نگاری محلی و خط‌نویسی مصر در دوره اسلامی از مرتضی نورانی و مهناز شعر باقجی‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام اثر همیلتن گیب و دیگران، تاریخ‌نگاری ابن‌ایبک دواداری در کنز الدرر از اسماعیل چنگیزی و ... به طور کامل به موضوع پرداخته‌اند.

#### ۱. زمینه‌ها و انگیزه‌سازی تاریخ‌نگاری در دوره ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ ه.ق. / ۱۲۵۰-۱۵۱۷ م.)

مهم‌ترین حوادث انگیزه‌ساز برای تاریخ‌نگاری در این دوره و سرچشمه‌های میل به آن چنین گزارش می‌شود:

الف. آغاز دوره نو با پیدایش دولت‌های اسلامی و مسیحی جدید، هم‌زمان با سقوط

خلافت عباسی در شرق و خلافت موحدین در غرب جهان اسلام؛

ب. زمینه‌سازی حفصیان برای انتقال مرکز خلافت اسلامی از بغداد به تونس؛

ج. پیدایش دولت ممالیک مصر، سیاست خارجی فعال آن در انتقال خلافت عباسی از تونس به قاهره، ایجاد روابط گسترده با شرق و غرب جهان و جلوگیری از حرکت مغول در حوزه مدیترانه؛

د. تصرف ایران به دست مغول و شکل‌گیری دولت‌های مخالف سیاست‌های بغداد، قاهره و تونس؛

ه. حمله ویرانگر تیمور به مناطق اسلامی؛

و. تجزیه غرب اسلامی، سقوط آرام اندلس و جابه‌جایی هجرت گسترده علما؛  
این حوادث تأثیرگذار در مصر و شام موجب توجه فراوان مسلمانان به «حرکت تاریخ» شد. در پی آن مورخان بزرگی مانند ابی سعید مغربی، ابن خلدون، ابن تغری بردی، مقریزی، ذهبی و... در غرب جهان اسلام ظهور کردند (پاک، ۱۳۸۷: ۲۷). به نظر می‌رسد در غرب جهان اسلام در این عصر، بر پایه آمار، مکتب تاریخ‌نگاری پیشگام دیگر مکاتب اسلامی بوده است. تولید آثار تاریخی مسلمانان با توجه به این بررسی آماری، در قرن‌های هفتم تا دهم هجری روند رو به رشدی داشته است. ۱۰۷۸ مورخ از ۶۶۷ ه.ق. تا پایان قرن دهم ه.ق.، در مصر و شام ظهور کردند که ۷۵۱ نفر (۷۵ درصد) از آنان مصری و شامی بودند (مصطفی، ۱۹۹۰: ۱۵/۳-۱۷).

## ۲. بعضی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری در عصر ممالیک

### ۱.۲. ورود فقهای اسلام و بعضی وابستگان دولت به تاریخ‌نگاری

از مزیت‌های تاریخ‌نگاری عصر ممالیک این است که از قرن هشتم به بعد اکثر کسانی که تاریخ می‌نگاشتند فقهای علوم اسلامی، قضات یا وابستگان به دولت یا دستگاه نظامی بودند. لذا اکثر نوشته‌هایشان به تاریخ معاصر و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... اختصاص دارد. به تبع آن، در عصر ممالیک، در مصر و شام، تلاش در

جهت تاریخ‌نویسی با حمایت سلاطین و بزرگان دولت از مورخان دیده می‌شود (حضرتی و شریعت جو، ۱۳۸۸). از باب نمونه، شمس‌الدین ذهبی (متوفای ۷۴۸ ه.ق.) از برجسته‌ترین علمای رجال و محدث سلفی مشهور و از مورخان قرن هشتم هجری، مؤلف کتاب تاریخ الدول الاسلام است که با رویکرد رجالی نوشته شده است (نک: ذهبی، ۱۴۱۵: جزء ۱ و ۲). ابوریحان عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حضرمی، معروف به ابن خلدون (متوفای ۸۰۸ ه.ق.) که دارای منصب قاضی القضاة مالکی مصر بود نویسنده کتاب تاریخی العبر است. ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه.ق.) قاضی القضاة شافعی مذهب مؤلف کتاب تاریخی إنباء الغمر بآبناء العمر است. مؤلف کتاب زبدة الفكرة فی تاریخ الهجرة مشاغل و مناصب فراوان در دولت مملوکیه مصر داشته و به همین دلیل، شاهد بسیاری از وقایع و اتفاقاتی تاریخی مذکور در کتاب است (صفدی، ۱۴۱۰: ۲۷۱/۱). همچنین برخی کتب تواریخ عمومی در کنار شرح حوادث به شرح حال فقها، متکلمان، مورخان، و سلاطین پرداخته‌اند، مثلاً ابن شاکر کتبی در عیون التواریخ به شرح حال فقیهان، ادیبان و متکلمان پرداخته است (سخاوی، ۱۳۱۵: ۱۳۱۱).

## ۲.۲. تاریخ‌نگاری

از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری، نگاه نو به تاریخ‌نگاری است. در این زمینه شاهد سه اثر مستقل، یعنی المختصر فی علم التاریخ از کافجی (متوفای ۸۷۹ ه.ق.)، الأعلان بالتویخ اثر سخاوی (متوفای ۹۰۲ ه.ق.) و لشماریخ فی علم التاریخ نوشته سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه.ق.) هستیم. کتاب کافجی سبب تألیف دو اثر بعدی شد، به گونه‌ای که تأثیر آن بر دو کتاب بعدی آشکار است (عزالدین علی، ۱۴۱۴: ۲۹-۸۳). بنابراین، نوشته کافجی را باید نخستین کتاب در باب مفهوم «تاریخ‌نگاری» دانست. این کتاب شامل یک مقدمه، سه باب و یک خاتمه است. کافجی انگیزه خود از تألیف این کتاب را پاسخ به اهل ادب

و خرد برشمرده و آن را هدیه‌ای کوچک برایشان دانسته است (همان: ۵۶). وی معتقد است تاریخ از علوم مفید، هم در دنیا و هم در آخرت است و فوایدش شمردنی نیست. وی تاریخ را دریای در و مرجان معرفی می‌کند: «و علم تاریخ که فواید و عجایب آن بی‌شمار و شمارش ناپذیر است و دریای مروارید و مرجان است، و در آن شگفتی‌ها از ملک تا ملکوت است» (کافیجی، ۱۴۱۰: ۵۱). آنچه او را به تألیف این کتاب برانگیخت بی‌توجهی اهل ادب به تاریخ و نیاز به تبیین اصول و قوانین تاریخ است. وی آن را کتابی مختصر اما مفید در باب دانش تاریخ می‌داند و هدف از نگارش کتاب را توجه دادن به اهمیت تاریخ برمی‌شمرد.

### ۳.۲. سبک ادبی نگارش مورخان این عصر

به نظر می‌رسد اغلب مورخان قلمرو دولت مملوکی، ادیب، محدث، دیوانی یا صاحب مقام و منصب در دربار ممالیک بوده‌اند. لذا بیشتر آثار این دست مؤلفان فاقد اشکالات دستور زبان عربی است، بلکه از غنای ادبی سرشار بهره‌مند است، به‌ویژه اینکه ذوق شعری داشته و آن را در متن کتاب‌هایشان به کار برده‌اند.<sup>۱</sup> با این حال، تفاوت‌هایی هم با یکدیگر دارند. به احتمال قوی، منشأ بعضی اختلاف‌ها به خاستگاه و موطن اصلی مورخان شام و مصر برمی‌گردد. مورخان شامی به دلیل اینکه زبان عربی، زبان مادری‌شان بوده در مقایسه با مورخان مصری که اغلب از نژادهای ترک، کرد، رومی و ... بوده‌اند، سبک متفاوتی دارند. مثلاً در کتاب کنز الدرر و جامع الغرر علاقه بسیار نویسنده به ادب، او را و می‌دارد در هر فرصتی وارد مباحث ادبی شود. گویا می‌خواهد ادب را جزئی از تاریخ کند؛ در هر مناسبتی اشعار را به نوشته‌های تاریخی می‌افزاید، اشعاری در مدح، ذم یا رثای بزرگان (ابن ابی‌بکر، ۱۹۸۲: ۶۵/۴؛ ۳۰۹/۶). حجم چشمگیری از کتاب به اشعار و ذکر ادیبان اختصاص یافته است. با تأسف باید افزود، مؤلف سالیان بسیار در قرائت، تفسیر و کاوش متون ادبی سر کرده است. کمتر صفحه‌ای از کتاب را می‌توان یافت که اشکالات لغوی و نحوی نداشته

باشد (از باب نمونه نک: همان: ۲/۴). با وجود این اشکالات، نشر کتاب ساده و روان است و نویسنده از انشاء تصنعی و عبارت پردازی طولانی، مغلق و متکلف، جز در مقدمه‌ها، پرهیز کرده است.

نشر کتاب نه‌ایة الأرب فی فنون الأدب مزین به اشعار عربی، شواهد شعری، آیات قرآنی و روایات و احادیث است. تقریباً متن مقدمه همه مصنوع، متکلف و مسجع است. نویری در برخی قسمت‌های کتاب، هیچ سخنی نمی‌گوید؛ فقط آیات، اشعار و... هستند که سخن می‌گویند. این سبک نوشتاری نویری است که در بیشتر فصول کتاب دیده می‌شود. وی هر مطلبی را که آغاز می‌کند از شواهد قرآنی، حدیثی و شعر برای اسناد کمک می‌گیرد. کتابش گاه ساده و روان، و گاه بسیار مصنوع و متکلف است. مطالب اصلی کتاب به زبان ساده و روان است (نویری، ۱۴۰۴).

از لحاظ شیوه بیان ابوالفدا اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی، معروف به ابن کثیر (متوفای ۷۷۴ ه.ق.)، با وجود گرایش، سجع و آرایش‌های لفظی که مقتضای عصر وی بود، غالباً به زبانی گاه عامیانه ادای مطلب می‌کرد. اسلوب بیانش در تاریخ قابل‌سنجش با اسلوب مورخان پیشین همچون طبری (متوفای ۳۱۰ ه.ق.)، مسعودی (متوفای ۳۴۶ ه.ق.) و ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ ه.ق.) نیست و در فصاحت به پایه مورخ معاصرش ابن خلدون هم نمی‌رسد. به دیگر سخن، ابن کثیر به معنا بیش از لفظ اهمیت داده است (ابوملهم، ۱۴۰۵: غ).

شاکر مصطفی، مورخ معاصر مصر و صاحب کتاب تاریخ‌نگاری اسلامی، معتقد است خط برای ادبیات تاریخی که از آغاز عصر ممالیک آغاز می‌شود در بهترین حالت و وضعیت بود و این در مقایسه با تمام این عصر از جهت محکمی، روانی، صحت و درستی تا پایان قرن هشتم ادامه داشته، و کتاب‌های ابن عبدالظاهر، ابن خلکان، ابن واصل، صفدی و... بیانگر آن است. اما در پایان این قرن رو به افول گذاشت. این در آثار مورخان قرن نهم، مانند ابن حجر عسقلانی، سخاوی، مقریزی، سیوطی و... مشهود است (مصطفی، ۱۹۹۰: ۷۳/۳).



در میان مؤلفان فرهنگ‌نامه‌های تاریخی، فوات الوفيات ابن شاکر اشکالات لغوی دارد که بر بی‌توجهی وی به زبان عربی و نحو آن و بی‌دقتی وی دلالت می‌کند (الحلوجی، ۲۰۰۸: ۳۰۰؛ ابن شاکر، بی‌تا: ۴۸/۱). محقق کتاب وی، احسان عباس معتقد است ابن شاکر چندان به اصول نحو و لغت در مقایسه با معاصرانش توجه نداشت و کتاب حسن المحاضرة سیوطی از متنی روان و سرشار از غنای ادبی و عباراتی منسجم و مستحکم برخوردار است (عزالدین علی، ۱۴۱۴: ۸۸۸). آخرین کتاب تاریخی مهم عصر ممالیک بدائع الزهور اثر ابن ایاس (متوفای ۹۳۰ ه.ق.) به گفته جرجی زیدان مانند بسیاری از کتب تاریخی این دوره از نظر رعایت نگارش دستور زبان عربی سست است (زیدان، ۱۹۲۲: ۳).

#### ۴.۲. گونه‌های منابع نگارش مورخان عصر ممالیک

در تاریخ‌نگاری این دوره، علاوه بر اینکه مورخان از منابع متعدد مکتوب پیشین استفاده کرده‌اند، از مشاهدات عینی، اطلاعات شخصی، شهادت معاصران، اسناد رسمی و دولتی، و مکاتباتی که بینشان رایج بوده، نیز بهره برده‌اند. بعضی در مقدمه آثار، و بعضی هم در منابع آثار به آن اشاره کرده‌اند. بعضی هم در متن کتاب، از منابعشان نام می‌برند. بعضی هم در اشاره به مصادرشان اهمال کرده‌اند. این دسته مورخان با عباراتی چون «یقال» و «قال بعض اهل التاريخ» استنادشان را ذکر نکرده‌اند. بعد از منابع مکتوب گذشته، دومین منبع مورخان این عصر، اطلاع شخصی و مشاهدات عینی خود مورخ است. بسیاری از مورخان این دوره منبع نگارش رویدادهای دوره‌شان را مشاهدات عینی و اطلاعات شخصی خود قرار داده‌اند. با توجه به اینکه این نویسندگان خود در متن حوادث بوده‌اند یا در ایجاد آنها نقش داشته‌اند، آثارشان ارزش تاریخی و علمی بسیار دارد. در این مواقع مورخ اخبار ایام خود را به تفصیل ذکر کرده و حتی گاه رویدادهای ماه، هفته و روز را هم آورده است. مقریزی (متوفای ۸۴۵ ه.ق.) در کتاب خطط (۱۳۶۴-۱۴۴۲)، ابن تغری بردی (متوفای ۸۴۷ ه.ق.)

در النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة (۱۴۱۱-۱۴۶۹)، ابن ایاس (متوفای ۹۳۰ ه.ق.) در کتاب بدائع الزهور فی وقائع الدهور (۱۴۴۸-۱۵۲۴)، جلال‌الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه.ق.) در حسن المحاضرة فی أخبار مصر والقاهرة، ابوشامه، بیبرس دواداری، ابن ایبک دواداری، ابن حجر عسقلانی، سخاوی و بسیاری دیگر قسمت مهمی از اسناد آثارشان را به مشاهدات و معلومات شخصی شان اختصاص داده‌اند. مثلاً ابن حجر عسقلانی در مقدمه إنباء الغمر چنین به این مسئله اشاره کرده است، که غالب مطالب این کتاب نتیجه مشاهدات و اطلاعات شخصی است (ابن حجر، ۱۹۷۲: ۱۵۹/۹، ۱۶۶، ۱۸۹).

جمع‌آوری اسناد از شاهدان معاصر، از دیگر اسناد و منابع مورخان این عصر بوده است. این عده اسنادشان را از امراء، علما، کاتبان، سپاهیان، تجار، قضات، کارگزاران خراج و دیگران به دست می‌آوردند. آنها با عباراتی مانند «قال لی فلاناً» یا «حکی لی»، «اخبرنی فلان» و ... اخبارشان را به شاهدان معاصر واقعه یا رخداد استناد می‌دادند. مثلاً ابن ایبک دواداری (متوفای ۷۳۲ ه.ق.) در کتاب کنز الدرر از منابع متعددی استفاده کرده است، از جمله نوشته‌های جغرافیایی و نجومی منابع تاریخی مشتمل بر تاریخ عمومی، محلی، تک‌نگاری، انساب، فتوح، فرهنگ‌نامه‌های تاریخی، کتاب‌هایی دیگر از علوم مانند علوم قرآنی، آثار ادبی، اسناد و مدارک دولتی و تاریخ شفاهی (شنیده‌ها از اشخاص، سپاهیان، تجار، علما و ...) (ابن ایبک، ۱۹۸۲: ۱۲۲/۱-۱۲۳، ۱۶۲، ۳۰۷/۶، ۳۰۸). جمال‌الدین محمد بن سالم بن واصل (متوفای ۶۰۴ ه.ق.) به سبب ارتباط نزدیک خود و پدرش با فرمانروایان و سپاهیان، شاهد و ناظر بخشی از تاریخ پرماجرایی ایوبیان بود و کتابی با عنوان مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب نگاشت (ابن واصل، ۱۳۷۲: ۶۵/۴، ۱۱۹، ۱۴۱، ۱۴۲).

اسناد رسمی دولتی چهارمین منبع مهم بعضی از مورخان این دوره به‌ویژه کسانی است که در دواوین این حکومت از جمله دیوان انشاء کار می‌کردند. از این دست مورخان می‌توان به صفدی (متوفای ۷۶۴ ه.ق.) نویسنده فرهنگ‌نامه تاریخی الوافی بالوفیات،

ابن فضل‌الله عمری نویسنده التعریف بالمصطلح الشریف، قلقشندی (متوفای ۸۲۱ ه.ق.) نویسنده صبح الأعشی و ابن عبدالظاهر (متوفای ۶۹۲ ه.ق.) مؤلف تشریف الأيام والعصور اشاره کرد، نیز عینی (متوفای ۷۸۴ ه.ق.) مؤلف کتاب عقد الجمان فی تاریخ اهل الزمان که مورخ رسمی سلطان برسبای بود، و به اخبار و اسناد رسمی دولتی دسترسی داشت (عینی، ۱۴۰۹: ۷/۱-۸).

از دیگر اسناد مهم جمع‌آوری اخبار و اطلاعات برای مورخان این عصر مکاتبه، رسائل و سؤال است. «مکاتبه» به این معنا است که بعضی از مورخان اطلاعات لازم را از طریق مکاتبه با افراد خبره به دست می‌آوردند. «رسائل» در واقع نوشته‌های مختصر یا محدود در بعضی موضوعات بود که بعضی از مؤلفان کتاب نوشته بودند. «سؤال» به این معنا بود که مؤلف، به خصوص در زمینه نگارش تراجم فرهنگ‌نامه‌ها از خود مترجم (صاحب ترجمه یا شرح حال)، بستگان یا دوستان وی سال تولد، وفات، استادان و... را می‌پرسد. مثلاً محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز، معروف به شمس‌الدین ذهبی (متوفای ۷۴۸ ه.ق.) در تألیف تاریخ الاسلام به جز استفاده از منابع مکتوب گسترده، بارها، به ویژه درباره دوره معاصرش، به مشاهدات شخصی، پرسش و مکاتبه استناد کرده است (ذهبی، ۱۴۱۵: ۱۵/۶۹۰-۶۹۱).

## ۵.۲. تمرکز مورخان این دوره بر تاریخ مصر

به نظر می‌رسد یکی از روش‌های برجسته تاریخ‌نگاری دوره ممالیک، تمرکز مورخان مصر بر تاریخ سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مصر است. زیرا مصر به مرکز خلافت اسلامی تبدیل شده و ممالیک هجوم مغول را شکست دادند و صلیبی‌ها را از آن سرزمین بیرون راندند و باعث احیا و شکوه مجدد فرهنگ و تمدن اسلامی شدند، و تحولات غرورآفرین این سرزمین و مرکزیت جهان اسلام باعث جذابیت مورخان شد. به تعبیر گیب (متوفای ۱۹۷۵ م.) حتی مورخانی که تاریخ عمومی می‌نوشتند، آن را در چارچوب مصری

قرار می‌دادند (گیب، ۱۳۸۰: ۳۵).<sup>۲</sup> ادعای گیب را در انواع تاریخ‌نگاری این عصر مانند عمومی، محلی، طبقات و به خصوص در فرهنگ‌نامه‌ها به خوبی می‌توان دید.

## ۶.۲. موضوعات خاص و منحصر

در دوره ممالیک، به ویژه در دوره ممالیک برجی، شاهد رساله‌ها و کتاب‌هایی با موضوع مشخص، مانند زلزله، هستیم. از این دست آثار می‌توان به کشف الصلصلة عن وصف الزلزلة اثر سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه.ق.) و بسیاری از رسایل مقریزی، مانند إغائة الامة بکشف الغمة و... اشاره کرد. به نظر می‌رسد مقریزی در میان مورخان در زمینه نگارش موضوعات خاص از همه مشهورتر است.

## ۷.۲. جمع بین وقایع‌نگاری و شرح حال نویسی

این سبک از تاریخ‌نگاری از اواخر عصر عباسی (۱۳۲-۶۵۶ ه.ق.) آغاز شد و تا اواخر عصر ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ ه.ق.) ادامه یافت (فوزی، ۱۴۲۵: ۲۸۶). در این روش مؤلف بعد از ذکر و نقل رویدادهای اغلب سیاسی در کتاب تاریخ عمومی‌اش بر اساس نظام سال‌شمارانه، در پایان هر سال شرح حال (تراجم) و فیات مشهور را ثبت کرده است. این سبک در دوره ممالیک رواج کامل یافت (همان: ۲۷۱). آثاری مانند تاریخ الإسلام ذهبی، البداية والنهاية فی التاريخ ابن کثیر، النجوم الزاهرة ابن تغری بردی، إنباء الغمر بأبناء العمر ابن حجر عسقلانی، بدائع الزهور ابن یاس و... از این منہج پیروی کردند. مثلاً ذهبی کتابش را بر اساس شیوه سال‌شماری حوادث و درگذشتگان هر سال آورده است. وی هفتاد طبقه را تصور کرده و برای هر طبقه ده سال در نظر گرفته است. مجلدات چاپ‌شده تاریخ الإسلام نیز بر همین اساس به صورت ده سال یا دو ده سال نشر یافته است (عبدالستار، ۱۹۹۴: ۴۵۰). ابن حجر عسقلانی، مؤلف کتاب انباء الغمر، ترکیبی از سال‌شماری وقایع جهان اسلام، به ویژه مصر

و شام، و سرگذشت بزرگان عصرش را از سال تولد خود (۷۷۳ ه.ق.) تا (۸۵۰ ه.ق.) فراهم کرد و آن را تکمله تاریخ ابن‌کثیر و وفیات ابن‌رافع سلامی شمرد (ابن حجر، ۱۳۹۳: ۴/۱). ابن‌کثیر به شیوه معمول مورخان گذشته، حوادث تاریخی پس از اسلام را، سال به سال، به صورت متوالی یاد کرده، و مطالب مربوط به هر سال را به ترتیب در دو قسمت حوادث و وفیات آورده است. وفیات این بخش، قسمت چشمگیری را تشکیل می‌دهد. این بخش نیز خود دو قسمت متمایز دارد: قسمت اول از آغاز خلافت تا پایان قرن ۷ ه.ق. / ۱۳ م. و قسمت دوم از آغاز قرن ۸ ه.ق. / ۱۴ م. به بعد (نک.: حضرتی و شریعت‌جو، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

## ۸.۲. نگارش شرح احوال

عصر ممالیک روزگار دائرةالمعارف‌ها است. نویسندگان، کل دانش‌هایی را که در قرون گذشته به روی هم انباشته شده بود گرد آوردند و کوشیدند آنها را تحت نظام درآورند. این باعث نگارش کتاب‌هایی در زمینه شناخت احوال و زندگی نامه نویسندگان، بزرگان، دانشمندان، سلاطین و ... شد، از جمله: سیر اعلام النبلاء نوشته ذهبی (متوفای ۷۴۸ ه.ق.)، الوافی بالوفیات تألیف صفدی (متوفای ۷۶۴ ه.ق.)، فوات الوفيات از ابن‌شاکر کتبی (متوفای ۷۶۴ ه.ق.)، الوفيات نوشته ابن‌رافع (متوفای ۷۷۴ ه.ق.)، الوفيات تألیف ابن‌قنفذ (متوفای ۸۱۰ ه.ق.)، الدرر الكامنة فی اعیان المئمة الثامنة از ابن‌حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه.ق.)، المنهل الصافی والمستوفی بعد الوافی نوشته ابن‌تغری بردی (متوفای ۸۷۴ ه.ق.)، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع از سخاوی (متوفای ۹۰۲ ه.ق.)، نظم العقیان فی اعیان الاعیان نوشته سیوطی (متوفای ۹۱۱ ه.ق.). از باب نمونه، فوات الوفيات اثر ابن‌شاکر کتبی ذیلی است بر کتاب وفیات الاعیان اثر ابن‌خلکان (متوفای ۶۸۱ ه.ق.) که به شرح حال ۵۷۲ نفر از بزرگان پرداخته است (ابن‌شاکر کتبی، بی‌تا: ۱۰/۱). ذهبی در تاریخ الاسلام به شرح حال حدود چهل هزار نفر از افراد مشهور همه‌گروها در هفت قرن پرداخته است (ذهبی، ۱۴۱۵: ۳۶/۵۰۰). الدرر الكامنة معروف‌ترین

کتاب ابن حجر عسقلانی در زمینه تراجم به شیوه بررسی قرون تألیف شده و پس از آن مبنایی برای دیگر مورخان شرح حال نگار شد (ابن حجر، ۱۳۹۳: ۸۲/۱).

### ۲.۹. نگارش اسلامی (دینی)

از اوایل قرن سوم و چهارم سه نوع تاریخ عمومی جهان می‌یابیم: تاریخ اهل کتاب، ایرانیان و عرب‌های جاهلی و تاریخ صدر اسلام. بعد از آن تاریخ‌های عمومی راجع به تاریخ قبل از اسلام (که از خلقت آدم شروع شده) و تاریخ بعد از اسلام را شاهدیم. در اوایل قرن پنجم هجری نگارش تاریخ اسلام برای مدتی متوقف، و تاریخ‌نگاری با شیوه دیگری آغاز شد. المنتظم ابن جوزی، هم به رویدادهای جهان پرداخت و هم تاریخ وفات را پس از رویدادهای هر سال قرار داد و آن را به شیوه الفبا مرتب کرد. از قرن هفتم هجری مجموعه‌ای از کتب عمومی پدیدار شد که در نگارش آنها اهتمام اسلامی (دینی) سیطره داشت. مؤلفان در این گونه آثار به سیره پیامبر (ص) توجه بسیار داشتند و تواریخشان را با سال اول هجری آغاز کردند. از باب نمونه، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل، مشهور به ابن‌کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ ه.ق.) نویسنده البدایة والنهایة، و فقیه ابن‌ابی‌الدم (ابواسحاق ابراهیم بن عبدالله بن عبد المنعم) در تاریخ اسلام با حیات پیامبر آغاز می‌کنند؛ ابن‌شاکر کتبی کتاب عیون التواریخ را از صدر اسلام نوشته است (سالم، ۱۹۱۸: ۸۰).

### ۳. شیوه و روش تاریخ‌نگاری در عصر ممالیک

در عصر ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ ه.ق.) بار شد و گسترش انواع تاریخ‌نگاری دیدگاه‌های متنوعی در شیوه و روش نگارش تاریخ‌نگاری به وجود آمد که تا حد بسیار از دیگر دوره‌های تاریخ‌نگاری متفاوت است. کتاب‌های تاریخی عصر ممالیک به استثنای صبح‌الأعشی فی صناعة الإنشاء اثر قلقشندی (متوفای ۸۲۱ ه.ق.) و کتاب التعریف بالمصطلح الشریف تألیف ابن‌فضل‌الله

عمری (متوفای ۷۴۹ ه.ق.) به شیوه سال‌شماری تدوین شده‌اند. در این شیوه، شرح حوادث هر سال از ماه محرم شروع می‌شود و با ماه ذی‌الحجه پایان می‌پذیرد. همچنین، در ضمن ذکر هر واقعه، به روز وقوع آن در ایام هفته و ماه اشاره می‌شود. اغلب مورخان این دوره در کنار ماه‌های قمری، ماه‌های شمسی و قبطی را ذکر کرده‌اند که در آن روزگار در مصر متداول بوده است (عینی، ۱۴۰۹: ۶۲؛ ابوالفدا، ۱۴۱۷: ۵۸/۴۱؛ سخاوی، بیشتر آثار؛ ابن‌صیرونی، إنباء العصر بأبناء العصر). اما بعضی مورخان مثل ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ه.ق.)، مؤلف کتاب انباء الغمر، کتابش را به صورت ترکیبی از سال‌شماری وقایع جهان اسلام و تراجم (سرگذشت بزرگان) از سال تولد خود (۷۷۳-۸۵۰ ه.ق.) آورده و آن را تکمله تاریخ ابن‌کثیر و وفیات ابن‌رافع سلامی شمرده است (ابن حجر، ۱۹۷۲: ۱/ع). ابن‌واصل (متوفای ۶۰۴ ه.ق.) مؤلف کتاب مفرج الكرب فی اخبار بنی‌ایوب حوادث و وقایع را به ترتیب سال‌های وقوعشان تدوین نکرده و گاه درباره افراد و شخصیت‌های مهم سخن گفته، که معمولاً ذیل سال آغاز حکومت یک سلطان و غالباً ذیل سال مرگشان ذکر شده است. ابوالمظفر یوسف بن قیزاوغلی، ملقب به سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴ ه.ق.) مؤلف کتاب مرآة الزمان در هر سال، ابتدا، حوادث مهم آن سال مانند به قدرت رسیدن امرا، عزل و نصب‌ها، بیماری‌ها و بلاهای اجتماعی را ذکر کرده و سپس وفیات و اعلام هر سال را بیان کرده است (ابن جوزی، ۱۳۹۵). ابن‌فرات حوادث را بر حسب سال ذکر کرده، ولی به ترتیب معکوس نوشته است. بدین معنا که مؤلف از قرن هشتم آغاز کرده، و سپس به وقایع قرن هفتم، و بعد قرن ششم پرداخته است (سخاوی، ۱۳۱۵: ۵۱، ۸).

### ۱.۳. تلخیص، خلاصه و مختصرنویسی

سه روش تلخیص، خلاصه، و مختصرنویسی از روش‌های شایع این عصر نزد مورخان است که خود مؤلف اثر یا مورخ دیگر به کار برده است. ذهبی با تلخیص کتاب تاریخ عمومی و مشهورش، تاریخ الإسلام و طبقات المشاهیر و الأعلام، کتاب سیر اعلام النبلاء را نوشت. فلقشندی با تلخیص صبح

الأعشى كتاب ضوء الصبح المسفرانوشت. بیبرس دواداری کتاب تاریخ عمومی خودزبده الفكرة فی تاریخ الهجرة راتلخیص کرد و آن را مختار الأخبار نامید. عبدالسلام (متوفای ۹۳۱ ه.ق.) کتاب الضوء اللامع سخاوی را مختصر کرد و آن را البدر الطالع من الضوء اللامع نامید. یونینی کتاب مرآة الزمان فی تاریخ الأعیان سبط بن جوزی را مختصر کرد و آن را مختصر مرآة الزمان نامید. اما اینکه چرا تلخیص در این دوره شایع بوده است، به نظر می‌رسد دلیلش، علل رشد تاریخ‌نگاری در این دوره باشد. حوادث الدهور فی مدى الأيام والشهور از ابن تغری بردی و التبر المسبوك فی ذیل السلوك اثر سخاوی، هر دو ذیل و ادامه کتاب السلوك لمعرفة الدول المملوك مقریزی هستند. این دو کتاب تاریخ دولت ممالیک را از آن جایی آغاز کرده‌اند که مقریزی به پایان رسانده است (محمود عبدالدائم، ۱۹۹۶: ۲۰). از سده هشتم تاریخ‌های عمومی بسیاری اغلب به عنوان خلاصه‌الکامل ابن اثیر تألیف شد، که برای دوره معاصر مؤلفان و گزارش‌های مستند به مشاهدات شخصی‌شان و نیز به جهت احتواء به منابعی که اکنون در دست نیستند، اهمیت ویژه‌ای دارند.

### ۲.۳. تکمیل و تتمه نویسی

به نظر می‌رسد با رشد تاریخ‌نگاری در دوره ممالیک برخی مورخان در این عصر به تکمیل و تتمه نویسی هم پرداختند. مثلاً ابن شاکر (متوفای ۷۶۴ ه.ق.) انگیزه‌اش را از تألیف لغت‌نامه‌اش، فوات الوفيات، تکمیل نواقص کتاب وفيات الأعیان ابن خلکان برشمرده است (احسان عباس، در: ابن خلکان، بی تا: ۴/۱-۵). ابن وردی (متوفای ۷۴۹ ه.ق.) تتمه‌ای بر کتاب مختصر فی أخبار البشر نوشت که المختصر فی أخبار البشر نام دارد.

### ۳.۳. تزییل نویسی

«تزییل» به معنای نگارش ادامه حوادث و رویدادهای کتب تاریخی پیشین است. مثلاً کتاب الذیل علی الروضتین اثر ابوشامه (متوفای ۶۶۵ ه.ق.)، همان‌گونه که از عنوانش



پیدا است، ذیلی است بر کتاب تاریخ دودمانی وی به نام الروضتین فی أخبار الدولتین. این اثر از جهت مطالعه دوره انتقال حکومت از ایوبیان به ممالیک اهمیت وافردارد. ذهبی (متوفای ۷۴۸ ه.ق.) تاریخ عمومی اش با عنوان تاریخ الأسلام و وفیات المشاهیر والأعلام به دوره اسلامی (از مغازی و سیره نبوی تا عصر خود) اختصاص داده و مختصری از این کتاب را فراهم آورده و آن را العبر فی خبر من غیر نامیده و ذیلی بر آن نوشت (ذهبی، ۱۴۱۵: ۱۶-۱۲). پس از آن، مؤلفان بعدی ذیل های دیگری بر آن نوشتند. ذهبی هم خلاصه ای از تاریخ الأسلام را تا ۷۴۴ ه.ق. تألیف کرد و وفیات مشاهیر هر ساله را به ستون سال شماری افزود و آن را دول الإسلام نامید و بر آن ذیلی نوشت. محمد بن شاکر کتبی دمشقی (متوفای ۷۶۴ ه.ق.) تاریخ عمومی اسلام را با عنوان عیون التواریخ مشتمل بر حوادث اسلام از سیره نبوی و ولادت پیامبر تا ۷۶۰ ه.ق. به صورت سال شمار نوشت و ذیل هر سال وفیات و سرگذشت مشاهیر، علما، متصوفه و گزیده ای از اشعار ادیبان را آورد (ابن کثیر، ۱۳۹۸: ۷، ۳۱۱). قطب الدین ابوالفتح یونینی (متوفای ۷۲۶ ه.ق.)، مرآة الزمان را مختصر کرد و ذیلی بر آن نوشت (حاجی خلیفه، ۱۴۱۹: ج ۲، ستون ۱۶۴۷-۱۶۴۸).

#### ۴.۳. خصایص منحصر به فرد مورخان عصر ممالیک

مورخان دوره ممالیک از چند خصیصه منحصر به فرد برخوردار بودند که در تاریخ نگاری این دوره تأثیر داشت، از جمله:

الف. اشتغال در دستگاه حکومت؛ بسیاری از مورخان این عصر در دربار دارای مقام و منصب بودند، از جمله: بیبرس دواداری (متوفای ۷۲۵ ه.ق.) که در دستگاه ممالیک ترقی کرد و در ۶۷۱ ه.ق. سلطان قلاوون او را از رتبه حقوق بگیران به رتبه اقطاع ارتقا داد (رکن الدین، ۱۴۰۷: ب)، و ابن حجر (متوفای ۸۵۲ ه.ق.) که در سال ۸۲۷ ه.ق. منصب قاضی القضاتی یافت (عزالدین، ۱۴۱۴: ۶۷). العینی (متوفای ۸۵۵ ه.ق.)

که سلطان اشرف برسبای در ۸۲۹ ه.ق. او را به عنوان قاضی القضاات انتخاب کرد و دوازده سال در این منصب بود (عینی، ۱۴۰۹: ۷/۱-۸)، و بسیاری دیگر در دیوان‌های جیش، قضا و به‌ویژه دیوان انشاء بودند. این دسته از مورخان به منابع، اسناد، مدارک و کتاب‌خانه‌های دولتی دسترسی داشتند و از وقایع و حوادث مرتبط با دولت مملوکی آگاهی یافتند. آنها در آثارشان از این امتیاز و فرصت، کمال استفاده را بردند.

ب. علاقه به ذیل‌نویسی و تکمله‌نویسی؛ یکی از خصوصیات برجسته مورخان این عصر علاقه و حب به ذیل و تکمله‌نویسی بر آثار مؤلفان پیشین است که به نمونه‌هایی اشاره کردیم. به احتمال قوی، آنها قصد داشته‌اند از این طریق شهرت آن مؤلفان را برای خود نیز به دست آورند (زیاده، ۱۹۴۹: ۱۵۴).

ج. خصومت، کینه و رقابت؛ از ویژگی‌های شایع و مذموم بین مورخان این زمان، خصومت، حسادت، عقده و کینه بین آنها است. سخاوی، به جز استادش ابن حجر عسقلانی، به تمام معاصران و سابقان بر خود هجمه می‌برد. شاید علت آن به رقابت و تعصب بر استادانشان برگردد (همان). شاید هم سخاوی قصد داشته است خود را یگانه مورخ عصر در میان معاصران معرفی کند. لذا کوشیده است همه مورخان عصرش را تحقیر کند (عبدالغنی، بی‌تا: ۷۰). از باب نمونه، علی‌رغم جایگاه علمی رفیع مقریزی در تاریخ سخاوی از معاصران وی، او را به ضبط نکردن صحیح اخبار و فقدان اتقان در نقل تاریخ متهم کرده است (سخاوی، ۱۹۷۵: ۲۳/۲). سخاوی درباره مقریزی معتقد است او راجع به حوادث دوران جاهلیت تبهر داشت، اما درباره حوادث و وقایع دوران اسلامی و شناخت شخصیت‌ها و جرح و تعدیل آنها و رموز تاریخ مهارت نداشت (همان). سخاوی همچنین مقریزی را به سرقت علمی متهم کرده و گفته است مقریزی کتاب مهم الخطط را از نسخه خطی او حدی سرقت کرده و مطالبی بر آن افزوده و به نام خود کرده است (سخاوی، ۱۹۵۷: ۱۳۱).

د. علاقه‌مندی و صاحب ذوق شعر؛ از دیگر خصایص مورخان این دوره این بود که صاحب شعر یا ذوق شعری بودند. آنها اشعاری را در آثارشان نقل کرده‌اند. اما راجع به اینکه چرا عده‌ای از مورخان، شعر می‌دانسته‌اند به نظر می‌رسد دانستن هنر شعر در این دوره از لوازم روشنفکری بوده است (زیاده، ۱۹۴۹: ۱۵۴). مثلاً نثر کتاب نه‌ایة الارب فی فنون الادب تألیف نویری (متوفای ۷۲۳ ه.ق.) مزین به اشعار عربی، شواهد مصنوع، متکلف و مسجع است. نویری در برخی از قسمت‌های کتاب، هیچ سخنی نمی‌گوید، فقط آیات و اشعار هستند که سخن می‌گویند. ابن خلکان (متوفای ۶۸۱ ه.ق.) مؤلف کتاب وفیات الاعیان در نحو و ادب عربی دست توانا داشت و با شعرا همنشین بود و اظهارنظرهای جالبی در باب شعر و شاعران داشت. سبکی اشعار او رانیکو و لطیف دانسته است (سبکی، بی تا: ۳۳/۸). ابن وردی (متوفای ۷۴۹ ه.ق.) کتاب المختصر فی اخبار البشر را به یک سوم تقلیل داده، و در مقابل از اشعار و نثر خود و نیز برخی اخبار و روایات تاریخی به آن افزوده است (ابن وردی، ۱۹۶۹: ۱۵۲/۱، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵).

ه. استقلال در تألیف؛ برخی از مورخان این عصر در مقدمه کتاب‌هایشان تصریح کرده‌اند که کتاب را برای دل خود و نه به سبب خواهش کسی نوشته‌اند و هیچ اجرت و مزد یا منفعت، و نیز دستور امیر یا سلطان در کار نبوده است (ابن تغری بردی، بی تا: ۵/۱-۶). ذهبی (متوفای ۷۴۸ ه.ق.) مؤلف کتاب تاریخ الاسلام وارد مناصب حکومتی نشد، و چنان شیفته سماع حدیث و تحصیل طرق مختلف بود که حتی نزد کسانی که آداب دینی را رعایت نمی‌کردند یا شخصیت‌شان را نمی‌پسندید سماع حدیث می‌کرد (ذهبی، ۱۴۱۵: ۳۸۹-۳۹۰). ابن کثیر (متوفای ۷۷۴ ه.ق.) مؤلف کتاب البدایة و النهایة فی التاریخ تمام عمرش را صرف کارهای علمی کرد. نویسندگانی که ابن کثیر را از نزدیک می‌شناخته‌اند درباره‌اش سخنان تحسین‌آمیزی آورده‌اند. بیان‌شان حاکی

از گسترش کار علمی ابن‌کثیر و تعمق او بر علوم است و تشخیص درست او را در خور ملاحظه دانسته‌اند. به نظر می‌رسد تبیین این مسئله از ملزومات علما و نویسندگان آن دوره بوده است. البته همین جا یادآور می‌شویم که شاید می‌توانسته است اعتماد جامعه علمی را به تألیف افزایش دهد و البته سبب بعضی از تألیفات این دوره هم خواهش و تقاضای سلاطین یا امرای این عصر بوده است. ابن‌دقماق کتاب الجواهر الثمین فی سیر الملوک والسلاطین را به توصیه ملک ظاهر برقوق نوشته است، یا سخاوی کتاب التبر المسبوک را به توصیه امیر یشبک نگاشت (محمود عبدالدائم، ۱۹۹۶: ۲). ابن‌تغری بردی هم کتاب النجوم الزاهرة را به تقاضای امیر محمد بن سلطان جقمق نوشته است (مصطفی، ۱۹۹۰: ۱۷۰/۳).

### نتیجه

وقتی در قرن هفتم هجری جوامع اسلامی به سوی انحطاط پیش می‌رفتند پدیده تاریخ‌نگاری در غرب جهان اسلام در عصر ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ ه.ق.) رونق گرفت. در این میان، مکتب تاریخ‌نگاری مصر و شام بیش از بخش‌های دیگر جهان اسلام رشد کرد، و ۷۵ درصد مورخان، مصری و شامی بودند. با ورود فقهای علوم اسلامی به تاریخ‌نگاری و حمایت و تشویق سلاطین به ثبت وقایع و تحولات سیاسی اجتماعی و علاقه بعضی از مورخان به تحقیق و مطالعات تاریخی و ذوق شعری، و نگاه نو برخی مورخان مانند کافیحی (متوفای ۸۷۹ ه.ق.) به تاریخ‌نگاری در این عصر، این شاخه جذابیت یافت و به آن توجه شد. با ورود بعضی از مورخان به دربار سلاطین و دسترسی‌شان به اسناد و مدارک مهم و با ارزش و مشاهده حوادث از نزدیک بر ارزش و اهمیت و رونق تاریخ‌نگاری افزوده شد، و دیدگاه‌های متنوعی در ویژگی و روش تاریخ‌نگاری به وجود آمد که باعث وفور کتب تاریخی در این عصر شد، مانند نوشتن تاریخ‌های عمومی به همراه شرح حال و وفیات

مشهور، تاریخ نگاری با محوریت مصر، شرح حال نویسی بزرگان علما و سلاطین، تکمیل کتب دیگر مورخان و حذف سلسله اسناد راویان از کتب مختلف تاریخی و بازنویسی آن، نوشتن ذیل بر دیگر کتب تاریخی، مختصرنویسی و خلاصه نویسی.



### پی نوشت ها

۱. کتاب نه‌ایة الأرب فی فنون الادب اثر نویری مزین به اشعار عربی، شواهد شعری، آیات قرآنی و احادیث است؛ ابن وردی کتاب تتمه المختصر فی اخبار بشر را به یک سوم تقلیل داده و در مقابل نکاتی از نظم و نثر خود به آن افزوده است؛ کتاب عیون التواریخ ابن شاکر به سبب کثرت استفاده از اشعار و شرح حال ادیبان از ارزش ادبی و علمی برخوردار است.
۲. همیلتون الکساندر روسکین گیب (Hamilton A. R. Gibb)، خاورشناس، در ۱۸۹۵ در اسکندریه متولد شد. پدر و مادرش از اهالی اسکاتلند بودند. برای تحصیل به اسکاتلند رفت و تحصیلات دانشگاهی را در لندن گذراند و صاحب کرسی تدریس در دانشگاه های لندن، آکسفورد، هاروارد و منچستر شد. به ریاست «مرکز مطالعات خاورمیانه» منصوب شد و آثار گوناگونی از کتاب و مقاله از خود بر جای گذاشت، از جمله: اسلام: بررسی تاریخی؛ درآمدی بر ادبیات عرب، ادبیات نوین عرب (حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۳۴).



### منابع

- ابن ایاس، محمد بن احمد (۱۹۶۰). بدائع الزهور فی وقایع الدهور، قاهره: مکتبه مدیوس.
- ابن اییک دواداری، ابو بکر بن عبد الله (۱۹۸۲). کنز الدرر و جامع الغرر، به کوشش: ببرندراتکه، قاهره: بی نا، ج ۴ و ۶.
- ابن تغری بردی، جمال الدین (۱۳۶۱). ألنجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، قاهره: مؤسسة المریة العامة.
- ابن تغری بردی، جمال الدین (بی تا). ألمنهل الصافی والمستوفی بعد الوافی، قاهره: بی نا.

- ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۳۹۵). المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد عبد القادر عطاء و مصطفی عبد القادر عطاء، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (۱۹۷۲). الدرر الكامنة، تحقیق: حسن حبشی، قاهره: بی نا، ج ۱.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (۱۳۹۳). انباء الغمر بأبناء العمر، حیدرآباد دکن: بی نا، ج ۱.
- ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر (بی تا). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صا، ج ۱.
- ابن شاکر کتبی، صلاح الدین محمد (بی تا). فوات الوفيات والذیل علیها، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر، ج ۱.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۹۸). البداية والنهاية، بیروت: دار الفکر.
- ابن واصل، ابو عبد الله جمال الدین محمد بن سالم (۱۳۷۲). مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تحقیق: جمال الدین شیال، قاهره: جامع قاهره.
- ابن وردی، ابو حفص زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس (۱۹۶۹). تاریخ ابن وردی، نجف: بی نا، ج ۱.
- ابو الفداء، عماد الدین اسماعیل بن علی (۱۴۱۷). المختصر فی أخبار بشر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابو ملهم، احمد (۱۴۰۵). مقدمة البداية والنهاية، بیروت: بی نا.
- پاک، محمدرضا (۱۳۸۷). «پیدایی و گسترش تاریخ نگاری در غرب اسلامی: مدرسه تاریخ نگاری افریقیه - تونس در دوره حفصی»، در: تاریخ پژوهان، ش ۱۳، ص ۲۵-۵۴.
- ثابت، فریبا (۱۳۸۷). «پیشینیان فرهیخته: ابن ابی اصیبعه»، در: کتاب ماه علوم و فنون، ش ۱۰۴، ص ۲۸-۲۹.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۱۹). کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون، بیروت: دار الکفر.

## ویژگی ها و روش های تاریخ نگاری در عصر ممالیک (۶۴۸ تا ۹۲۳ ق.هـ) / ۲۰۵

- حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۵). نقد آثار خاورشناسان، تهران: چاپخش.
- حضرتی، حسن؛ شریعت جو، منیره (۱۳۸۸). «نقد درونی و بیرونی تاریخ نگاری ابن کثیر در البداية والنهاية»، در: تاریخ اسلام، س ۱۰، ش ۳۷، ص ۱۴۹-۱۸۶.
- الحلوجی، دالیا عبد الستار (۲۰۰۸). كتب التراجم فی تراث العربی بن بداية القرن السابع حتى نهاية القرن الثانی عشرة للهجرة، مصر: مكتبة الزهراء الشرق.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۵). تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، کویت: محمد رشاد، ج ۱۵ و ۳۶.
- رکن الدین، بیبرس منصورى (۱۴۰۷). التحفة الملوكیة فی دولة الترتکیة، قاهره: عبد الحمید صالح حمدان.
- زیاده، محمد مصطفی (۱۹۴۹). المورخون فی مصر فی القرن الخامس عشر (القرن التاسع عشر المیلادی)، قاهره: مطبعة لجنة التألیف والنشر.
- زیدان، جرجی (۱۹۲۲). تاریخ اللغة العربیة، مصر: دار الهلال.
- سالم، عبد العزیز (۱۹۱۸). التاریخ والمورخون العرب، بیروت: دار النهضة العربیة، سرکیس: چاپی.
- سبکی، تاج الدین (بی تا). الطبقات الشافعیة الکبری، تحقیق: عبد الفتاح الجلو، محمد محمد الطناحی، بی جا: دار احیاء الکتب العربیة.
- سخاوی، شمس الدین (۱۳۱۵). التبر المسبوك فی ذیل السلوك، قاهره: بولاق.
- سخاوی، شمس الدین (۱۹۷۵). الضوء اللامع لاهل القرى التاسع، قاهره: بی نا.
- سید نشار (۱۹۹۳). تاریخ المکتبات فی مصر العصر المملوکى، تقدیم: محمد فتحی عبد الهادی و جوزیف نسیم یوسف، بی جا: دار المصدریة اللبنانیة، الطبعة الاولى.
- صفدی، خلیل (۱۴۱۰). أعیان العصر، جلد تصویرى به کوشش: فؤاد سزگین، فرانکفورت: بی نا، ج ۱.
- عبد الستار، شیخ (۱۹۹۴). الحافظ الذهبی: مورخ الإسلام، امام العدلین والمجرمین، دمشق: بی نا.
- عبد الغنی، حسن (بی تا). التراجم والسير، بی جا: دار المعارف، الطبعة الثانية.
- عزالدین علی، محمد کمال الدین (۱۴۱۴). دراسات نقدیة فی المصادر التاریخیة، بیروت: عالم الکبیر.
- عینی، محمود بن احمد (۱۴۰۹). عقد الجمعان فی تاریخ أهل الزمان، قاهره: هیئة المصریة، ج ۱.

- غفرانى، على (١٣٧٨). «مرورى بر منابع تاريخى دوره مماليك»، در: مقالات و بررسى ها، ش ٦٦، ص ٢٤٥-٢٦٠.
- فوزى، فاروق عمر (١٤٢٥). التدوين التاريخى عند المسلمين، الامارات العربية المتحدة: مركز زايد التراث والتاريخ.
- كافيحى، محيى الدين (١٤١٠). فالمختصر فى علم التاريخ، التحقيق: محمد كمال الدين عز الدين بن على، بيروت: عالم الكتاب.
- گيب، هميلتن (١٣٨٠). اسلام: بررسى تاريخى، ترجمه: منوچهر اميرى، تهران: علمى و فرهنگى.
- محمود عبد الدائم، عبدالعزيز (١٩٩٦). مصر فى عصر المماليك والعثمانيين، قاهره: جامع قاهره.
- مصطفى، شاکر (١٩٩٠). التاريخ العربى والمورخون، بيروت: دار العلم للملايين، ج ٣.
- مقرزى، احمد بن على (١٤٠٧). المقفى الكبير، تحقيق: محمد اليعلاوى، بيروت: دار العرب الاسلامى، التراث العربى.
- مقرزى، احمد بن على (بى تا). المواعظ الإعتبار بذكر الخطط والآثار، بغداد: بى نا.
- نويرى، احمد بن عبد الوهاب (١٤٠٤). نهاية الأرب فى فنون الأدب، بى جا: دار ثابت.

## References

- Abd al-Ghani, Hasan. n.d. Al-Tarajem wa al-Siyar (Biographies & Lifestyles), n.p: Knowledge House, Second Edition. [in Arabic]
- Abd al-Sattar, Sheikh. 1994. Al-Hafez al-Zahabi: Mowarrek al-Islam, Imam al-Adlayn wa al-Mojremayn (Hafez Zahabi: The Historian of Islam, Imam of the Just and the Criminals), Damascus: n.pub. [in Arabic]
- Abu al-Fada, Emad al-Din Ismail ibn Ali. 1996. Al-Mokhtasar fi Akhbar al-Bashar (Summary in Human News), Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Abu Molhem, Ahmad. 1984. Moghaddameh al-Bedayah wa al-Nehayah (Introduction to Book the Beginning and the End), Beirut: n.pub. [in Arabic]
- Al-Halujji, Daliya Abd al-Sattar. 2008. Kotob al-Tarajem fi Torath al-Arabi men Bedayah



al-Gharn al-Sabe hatta Nehayah al-Gharn al-Thani Ashrah le al-Hejrah (Biography Books On Arabic Tradition from the Beginning of the 7th Century to the End of the 2nd Century), Egypt: Al-Zahra al-Shargh Press. [in Arabic]

- Eyni, Mahmud ibn Ahmad. 1988. Aghd al-Jaman fi Tarikh Ahl al-Zaman (The Contract of the Two Gatherings in the History of the People of Time), Cairo: The Egyptian Authority, vol. 1. [in Arabic]
- Ezz al-Din Ali, Mohammad Kamal al-Din. 1993. Derasat Naghdiyah fi al-Masader al-Tarikhiah (Critical Studies in Historical Sources), Beirut: Great World. [in Arabic]
- Fozi, Farugh Omar. 2004. Al-Tadwin al-Tarikh end al-Moslemin (Historical Writing among Muslims), United Arab Emirates: Zayed Center for Heritage and History. [in Arabic]
- Ghorani, Ali. 1999. "Moruri bar Manabe Tarikh Doreh Mamelik (A Review of the Historical Sources of the Mamluk Period)", in: Articles and Reviews, no. 66, pp. 245-260. [in Farsi]
- Gibb, Hamilton. 2001. Islam: Barresi Tarikhi (Islam: A Historical Survey), Translated by Manuchehr Amiri, Tehran: Scientific & Cultural. [in Farsi]
- Haji Khalifah, Mostafa ibn Abdollah. 1998. Kashf al-Zonun an Asami al-Kotob wa al-Fonun (Clearing Ambiguities about the Names of Books and Techniques), Beirut: Thought House. [in Arabic]
- Hazrati, Hasan; Shariatju, Monireh. 2009. "Naghd Daruni wa Biruni Tarikhnegari Ibn Kathir dar al-Bedayah wa al-Nehayah (Internal and External Criticism of Ibn Kathir's Historiography in the Book Al-Bedayah wa al-Nehayah)", in: History of Islam, yr. 10, no. 37, pp. 149-186. [in Farsi]
- Hoseyni Tabatabai, Mostafa. 1996. Naghd Athar Khawarshenasan (Criticism of Orientalist Works), Tehran: Chapakhsh. [in Farsi]
- Ibn Aybak Dawdari, Abu Bakr ibn Abdollah. 1982. Kanz al-Dorar wa Jame al-Ghorar (Treasure of Pearls & Collection of the Best), Prepared by Bebrandratkeh, Cairo: n.pub, vol. 4 & 6. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Shahab al-Din Ahmad ibn Ali. 1972. Al-Dorar al-Kamenah (Hidden Pearls), Prepared by Hasan Habashi, Cairo: n.pub, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Shahab al-Din Ahmad ibn Ali. 1973. Enba al-Ghomr be Abna al-Omr, Hyderabad Deccan: n.pub, vol. 1. [in Arabic]

- Ibn Iyas, Mohammad ibn Ahmad. 1960. Badae al-Zohur fi Waghae al-Dohur (Beauties of Blooms in the Events of the Times), Cairo: Madyus Press. [in Arabic]
- Ibn Jozi, Yusof ibn Ghazoghli. 1975. Al-Montazam fi Tarikh al-Omam wa al-Moluk (Regular in the History of Nations and Kings), Researched by Mohammad Abd al-Ghader Ata and Mostafa Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail ibn Omar. 1977. Al-Bedayah wa al-Nehayah (The Beginning and the End), Beirut: Thought House. [in Arabic]
- Ibn Khallakan, Shams al-Din Ahmad ibn Mohammad ibn Abu Bakr. n.d. Wafayat al-Ayan wa Anba Abna al-Zaman (Deaths of Eminent Men and History of the Sons of the Epoch), Researched by Ehsan Abbas, Beirut: Sader House, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Shaker Katbi, Salah al-Din Mohammad. n.d. Fawat al-Wafayat wa al-Zayl alayha, Researched by Ehsan Abbas, Beirut: Sader House, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Tagharri Bardi, Jamal al-Din. 1942. Al-Nojum al-Zaherah fi Moluk Mesr wa al-Ghaherah (The Shining Stars in the Kingdom of Egypt and Cairo), Cairo: Al-Maria General Foundation. [in Arabic]
- Ibn Tagharri Bardi, Jamal al-Din. n.d. Al-Manhal al-Safi wa al-Mostawfa bad al-Wafi, Cairo: n.pub. [in Arabic]
- Ibn Wardi, Abu Hafs Zayn al-Din Omar ibn Mozaffar ibn Abi al-Fawares. 1969. Tarikh Ibn Wardi (Ibn Wardi's History), Najaf: n.pub, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Wasel, Abu Abdollah Jamal al-Din Mohammad ibn Salem. 1952. Mofarrej al-Korub fi Tarikh Bani Ayyub (Reliever of Sorrows in the History of Bani Ayyub), Researched by Jamal al-Din Shiyal, Cairo: University of Cairo. [in Arabic]
- Kafiji, Mohyial-Din. 1989. Al-Mokhtasarfi Elm al-Tarikh (The Brief in the Science of History), Researched by Mohammad Kamal al-Din Ezz al-Din ibn Ali, Beirut: Book World. [in Arabic]
- Mahmud Abd al-Daem, Abd al-Aziz. 1996. Mesr fi Asr al-Mamalik wa al-Othmaniyyin (Egypt in the Era of the Mamluks and the Ottomans), Cairo: Cairo University. [in Arabic]
- Meghrizi, Ahmad ibn Ali. 1986. Al-Moghaffa al-Kabir, Researched by Mohammad al-Yalawi, Beirut: Arab Islamic House, Arab Heritage. [in Arabic]
- Meghrizi, Ahmad ibn Ali. n.d. Al-Mawaez wa al-Etebar be Zekr al-Khotat wa al-Athar, Baghdad: n.pub. [in Arabic]
- Mostafa, Shaker. 1990. Al-Tarikh al-Arabi wa al-Mowarrekhun (Arab History and Historians), Beirut: Knowledge House of for Millions, vol. 3. [in Arabic]

- Nowayri, Ahamd ibn Abd al-Wahhab. 1983. *Nehayah al-Arab fi Fonun al-Adab* (The Ultimate Ambition in the Arts of Erudition), Cairo: House of National Books and Documents, Heritage Investigation Center. [in Arabic]
- Pak, Mohammad Reza. 2008. "Peydayi wa Goštareh Tarikhnegari dar Gharb Islami: Madreseh Tarikhnegari Afrighiyeh-Tunes dar Doreh Hafsi (The Emergence and Expansion of Historiography in the Islamic West: the African School of Historiography in Tunisia during the Hafsi Period)", in: *Historians*, no. 13, pp. 25-54. [in Farsi]
- Rokn al-Din, Bibors Mansuri. 1986. *Al-Tohfah al-Molukiyah fi Dawlah al-Torkiyah* (The Royal Masterpiece in the Turkish State), Cairo: Abd al-Hamid Saleh Hamdan. [in Arabic]
- Sabki, Taj al-Din. n.d. *Tabaghat al-Shfeiyah al-Kobra* (Great Shafei Classes), Researched by Abd al-Fattah al-Jelo, Mohammad Mohammad al-Tanahi, n.p: Arab Books Revival House. [in Arabic]
- Safdi, Khalil. 1989. *Ayan al-Asr* (Notables of the Era), Prepared by Fuat Sezgin, Frankfurt: n.p: vol. 1. [in Arabic]
- Sakhawi, Shams al-Din. 1897. *Al-Tabar al-Masbuk fi Zeyl al-Soluk*, Cairo: Bulaq. [in Arabic]
- Sakhawi, Shams al-Din. 1975. *Al-Zaw al-Lame le Ahl al-Gharn al-Tase* (The Bright Light of the People of the Ninth Century), Cairo: n.pub. [in Arabic]
- Salem, Abd al-Aziz. 1918. *Al-Tarikh wa al-Mowarrekhun al-Arab* (Arab History and Historians), Beirut: Arab Renaissance House, Sarkis: Printed.
- Seyyed Neshar. 1993. *Tarikh al-Maktabat fi Mesr al-Asr al-Mamluki* (History of Libraries in Mamluk Egypt), Foreworded by Mohammad Fathi Abd al-Hadi & Joseph Nasim Yousef, n.p: The Egyptian Lebanese House, First Edition. [in Arabic]
- Thabet, Fariba. 2008. "Pishiniyan Farhikhteh: Ibn Abi Osaybiah (Educated Predecessors: Ibn Abi Osaybiah)", in: *The Monthly Book of Science and Technology*, no. 104, pp. 28-29. [in Farsi]
- Zahabi, Mohammad ibn Ahmad. 1994. *Tarikh al-Islam wa Wafayat al-Mashahir wa al-Alam* (History of Islam and the Deaths of Figures and Luminaries), Kuwait: Mohammad Rashad, vol. 15 & 36.. [in Arabic]
- Zeydan, Jorji. 1922. *Tarikh al-Loghah al-Arabiyah* (History of the Arabic Language), Egypt: Al-Helal House. [in Arabic]
- Ziyadah, Mohammad Mostafa. 1949. *Al-Mowarrekhun fi Mesr fi al-Gharn al-Khames Ashar* (Historians in Egypt in the Nineteenth Century), Cairo: Authorship and Publication Committee Press. [in Arabic]